

ادراک کننده، ادراک شونده، محصول ادراک (ارزیابی تعابیر صاحب نظران از مؤلفه‌های تعریف منظر)

مرتضی همتی*

پژوهشگر دکتری معماری منظر، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

پرچهره صابونچی

پژوهشگر دکتری معماری منظر، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۱۸ تاریخ فرارگیری روی سایت: ۱۴۰۰/۰۷/۰۱

چکیده | در دهه‌های اخیر با گسترش علوم شهری، یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی پژوهشگران تفسیر رابطه انسان و محیط است که منجر به شکل‌گیری مفاهیم جدیدی مانند منظر شد. اگرچه پیدایش این مفهوم حاصل جستارهای فراوان متخصصان و پژوهشگران در سال‌های متمادی است، اما مرور پیشینه آن بیانگر وجود تکثر معنایی در آرای پژوهشگران و صاحب‌نظران علوم شهری است. تجربه نشان داده است تداوم حیات یک رویکرد علمی، نیازمند تعمق در بنیادهای منطقی‌اش از طریق تعریف مفاهیم پایه‌ای آن است تا با ارائه معانی یکسان امکان مباحثه و استدلال را برای پژوهشگران این حوزه به‌وجود آورد. از طرفی وجود تفاسیر متعدد موجب شکل‌گیری راهبردهای متنوعی در اثرگذاری بر محیط است و رویکردهای متمایزی تولید می‌کند که این بررسی نشان می‌دهد در جزئیات با مفاهیم مختلف و گاه متناقض وصف شده است. تعاریف ارائه‌شده به منظر به‌عنوان رابطه‌ای ادراکی می‌نگرد که واجد مؤلفه ادراک‌کننده و ادراک‌شونده است و بنابراین مفهوم منظر محصول تفسیر صاحب‌نظران از شیوه مرتب‌ساختن و بیان نسبت آنان است. این مقاله در پی آن است که با تدقیق در تعاریف ارائه‌شده با روش تحلیل محتوا، به تحلیل و طبقه‌بندی رویکردهای متعدد اندیشمندان معاصر در تبیین مفهوم منظر بپردازد و با ارزیابی اجزای تعاریف مطرح‌شده، به تعریفی جامع و کل‌نگر از منظر بپردازد. پژوهش پیش‌روی نشان می‌دهد، در توصیف متخصصین از مؤلفه‌های ادراک‌کننده و ادراک‌شونده، نسبت آن‌ها و محصول آن، دسته‌های مفهومی متعددی وجود دارد که به‌نظر می‌رسد صحیح‌ترین شکل بیانی آن چنین باشد: منظر رابطه‌ای ادراکی است که میان «انسان به‌عنوان ادراک‌کننده» و «محیط به‌عنوان ادراک‌شونده» با پیوندی «پیوسته» ایجاد می‌شود و محصولی با ماهیت «عینی-ذهنی» به‌دست می‌دهند.

واژگان کلیدی | تعریف منظر، ادراک، محیط، انسان، عینی-ذهنی.

مقدمه | منطق علم بر دو پایه «تعریف» و «استدلال» استوار است. پیش از ورود به هر مبحث علمی باید مفاهیم آن تعریف شود تا امکان مباحثه و استدلال بر مفهومی واحد ایجاد گردد. منظر نیز به‌عنوان دانشی نوظهور برای پیش‌برد مباحث، مستلزم تدوین چارچوبی منطقی

برای بیان مفاهیم بنیادین آن است. اساس مفهوم منظر که بر رویکردی «کل‌نگر»^۱ به پدیده‌ها شکل گرفته است، پیونددهنده ابعاد و وجوه معنایی متعددی است که گاه فهم و بیان آن را مشکل می‌نماید. بررسی تعاریف منظر در ادبیات شهرسازی ایران و جهان نشان از فقدان اشتراک نظر در محتوای این مفهوم در میان صاحب‌نظران دارد. با این حال بررسی رویکردهای معاصر در تعریف مفهوم منظر

* نویسنده مسئول: ۰۹۱۲۰۷۰۴۳۲۹@ut.ac.ir hemmati.m

• چارچوب تحلیل

با توجه به آنکه محتوای این پژوهش از طریق تعمق در داده‌های کتابخانه‌ای که به اندیشه صاحب‌نظران می‌پردازد و آنالیز و دسته‌بندی آن‌ها به دست می‌آید، روش تحقیق تحلیل محتوا گزیده شده است. شیوه پژوهش تحلیل محتوا از روش‌های تحقیق بنیادین جستارهای علمی است و در آن پژوهشگر به توصیف داده‌ها، انتظام آن‌ها و در نهایت تحلیل و نتیجه‌گیری از آن می‌پردازد (براتی، داوودپور و منتظری، ۱۳۹۱، ۱۱۳). در این روش نه پیام‌ها، بلکه تفسیر محتوای آن‌ها مبنای تحلیل و پژوهش است. به همین منظور در این پژوهش ابتدا مدلی از «تعریف منظر به‌عنوان پدیده‌ای عینی-ذهنی» ارائه شده است و مطابق آن دسته‌بندی داده‌ها انتظام می‌یابد. در این روش ابتدا تعاریف ارائه‌شده صاحب‌نظران هر حرفه (متخصصان منظر، جغرافی‌دان‌ها، اکولوژیست‌ها، طراحان محیط و...) به تفکیک در مدل ذکر شده تجزیه می‌شود و داده‌های آن در جدولی دسته‌بندی و تفسیر می‌گردد. سپس هرکدام از دسته‌ها که رویکردهای اصلی برای تبیین اجزای تعریف منظر است، تشریح و معرفی می‌شود.

پیشینه موضوع

تاکنون پژوهشگرانی به تکرار معنایی در تعریف منظر اشاره داشته‌اند و در پژوهش خود به تدقیق مفهوم منظر پرداخته‌اند. در این میان می‌توان به پژوهش فورستر و همکاران (Förster et al., 2012) با عنوان «منظر چیست؟ به‌سوی مفهومی واحد در محیط پژوهشی‌ای میان رشته‌ای» اشاره کرد که در جستارشان به بررسی تعریف مفهوم منظر از نگاه دیسپلین‌های مختلف پرداخته‌اند. مشابه آن آل‌هاشمی و منصوری (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «منظر؛ مفهومی در حال تغییر نگاهی به سیر تحول مفهوم منظر از رنسانس تاکنون» با تکیه بر زمان‌بندی تاریخی به تحولات مفهومی منظر از نگاه دانش‌های مختلف پرداخته‌اند. پس از آن ماهان و منصوری (۱۳۹۶الف) بدون بنیان قراردادن سیر زمانی، در مقاله‌ای با عنوان «مفهوم منظر با تأکید بر نظر صاحب‌نظران رشته‌های مختلف»، به بررسی تفاوت‌های مفهوم منظر در تعاریف ارائه‌شده توسط صاحب‌نظران متفاوت پرداخته‌اند. با این حال هیچ‌کدام از پژوهش‌های فوق با تمرکز بر ظرایف اجزای تعریف منظر و تکرارهای کلامی در بیان‌های متعدد صاحب‌نظران صورت نگرفته است. اگرچه لازم به ذکر است انخلستم و همکاران (Angelstam, Munoz-Rojas, Pinto-Correia, 2019) در بخشی از پژوهش‌شان در مورد مفاهیم و رویکردهای منظر، به مدلی مفهومی مشابه مدل مفهومی این جستار اشاره

نشان می‌دهد، غالب صاحب‌نظران بر اینکه منظر «فرایند ادراکی» یا حاصل آن است، توافق نظر دارند. اگرچه اساس تمامی این تعاریف بر ایجاد ارتباط میان سه مفهوم ادراک‌کننده، ادراک‌شونده و محصول آن است - که در آن دو مفهوم نخست مؤلف و شرط به‌وجودآمدن مفهوم سوم هستند - اما تدقیق در این تعاریف آشکار می‌سازد که در شیوه تفسیر و توصیف این مؤلفه‌ها و شکل ارتباط آن میان اندیشمندان آراء متعددی وجود دارد. چنان‌که پژوهشگران در بیان تعریف و جزئیات آن، از معانی متنوع و گاه متضادی بهره برده‌اند که موجب پیدایش رویکردهای متمایزی در شاکله تعریف‌شان و راهبردهای اثرگذار بر محیط شده است. این پژوهش در پی آن است که ابتدا با مرور و تشریح رویکردهای موجود در تبیین مفهوم منظر، به مقایسه و تحلیل تعاریف موجود بپردازد و با بارز نمودن نقاط اشتراک و افتراق آن‌ها، به طبقه‌بندی نگرش‌های صاحب‌نظران در تعریف این عبارت بپردازد و هرکدام از مفاهیم را مورد بحث و ارزیابی قرار دهد.

سؤالات تحقیق

این نوشتار در پی پاسخ به این پرسش است که در رویکردهایی که منظر را به‌عنوان فرایندی ادراکی معرفی نموده‌اند، صاحب‌نظران حوزه‌های مختلف چه تفسیری از سه مؤلفه ادراک‌کننده، ادراک‌شونده و محصول آن ارائه داده‌اند؟ در این تفاسیر ارتباط میان این مؤلفه‌ها چگونه بیان شده است؟ کدام بیان می‌تواند مفهوم منظر را به کامل‌ترین شکل تعریف کند؟

مواد و روش‌ها

• انتخاب منابع

در این پژوهش ۱۳۶ عنوان مقاله، ۱۶ کتاب و ۱۱ سایت اینترنتی نوشتاری در بازه زمانی ۱۹۳۹ تا ۲۰۲۰ میلادی که در چکیده، کلیدواژه یا بدنه آن به واژه منظر اشاره شده بود و در آن پژوهشگران و صاحب‌نظران به بیان مفهوم منظر پرداخته بودند، از طریق پایگاه‌های معتبر داده‌های علمی به‌ویژه ساینس دایرکت (Science Direct)، وب آو ساینس (Web of Science) و اسکاپوس (Scopus) اخذ و مطالعه شد (تا تاریخ ۴ دی ۱۳۹۹). در این میان برخی از منابع که در آن تعاریف تکرار شده بود و یا به مبحث تعریف منظر نپرداخته بود، حذف شد که در نهایت، منابع مورد بحث را به تعداد ۷۸ مقاله و کتاب کاهش داد. همچنین در نقل برخی از تعاریف، به دلیل فقدان دسترسی به برخی از منابع قدیمی، از بیان غیرمستقیم و با واسطه انجام شد و در نهایت ۴۹ مرجع از آن‌ها به‌طور مستقیم در پژوهش به کار گرفته شد.

داشته‌اند که جزئیات کمتری دارد و به تحلیل محتواهای متنوع اجزاء تعریف صاحب‌نظران منجر نشده است.

منظر به‌عنوان فرایندی ادراکی

تعریف منظر خود عبارتی است که از دو بخش «تعریف» و «منظر» تشکیل شده است و در این عبارت «تعریف» بر «منظر» مقدم است. علم منطق، «تعریف» را مجموعه تصورات معلومی که موجب کشف تصور مجهولی شود می‌نامد و آن تصور مجهولی را که به‌وسیله تصورات معلوم روشن می‌گردد، معرّف عنوان می‌کند (خوانساری، ۱۳۶۶). منطقی‌بودن یک تعریف برای تبیین یک مفهوم مجهول و شناساندن آن از طریق معلومات، منوط بر مهیا شدن شروطی و رای محتوای معنایی است. در صورت رعایت این شروط، تعریف مورد نظر می‌تواند قلمرو معنایی مفهوم خاص را تحدید کند و از اغیار نیز جدا سازد و به اصطلاح، آن مفهوم را تعریف نماید. اگرچه تاکنون تعاریفی که متخصصین از منظر مفهوم منظر ارائه داده‌اند وجوه افتراق فراوانی دارد، ولی به‌منظر می‌رسد اغلب آنان بر این موضوع توافق نظر دارند که منظر محصول فرایندی ادراکی است. به آن معنا که در آن «دستگاه ادراکی» یا «ادراک‌کننده» ای وجود دارد که فرایندی ادراکی را با «ادراک‌شونده» شکل می‌دهد. بسیاری از پژوهشگران به‌طور مستقیم از واژه «ادراک» استفاده کرده‌اند. برای نمونه بل آورده است: «منظر آن قسمت از محیط است که ما در آن ساکنیم و به‌واسطه ادراکمان آن را فهم می‌کنیم» (بل، ۱۳۹۴، ۹۱). همچنین هابر چنین تعبیر کرده است: «بخشی از زمین در اطراف ما است که بدون تمرکز بر اجزای آن ادراک می‌نمایم و برای‌مان آشنا به‌منظر می‌رسد» (Haber, 2004, 103). کستانزا و همکاران نیز در تعریف خود به «منظر ادراک‌شده توسط انسان» اشاره می‌نمایند (Costanza, Riitters, Vogt & Wickham, 2019, 2051). از نظر تقوایی نیز منظر رابطه‌ای میان الگوهای طبیعی و فرهنگی، فرایندهای تشکیل‌دهنده آن و ادراک انسان از زیبایی این مجموعه است (تقوایی، ۱۳۹۱، ۲۲). کنوانسیون اروپایی منظر نیز بیان می‌دارد که «منظر ترکیبی از «میراث طبیعی» و «میراث فرهنگی» است» (Council of Europe, 2000a). این تعریف بر ادراک فردی و ویژگی پویای منظر که توسط تعامل انسان و طبیعت شکل گرفته است و به‌عنوان فرایندی از یک کل پویا ادراک می‌گردد، تأکید می‌کند. گریب و هس نیز این وجه منظر را با عبارات «بعد پدیدارشناختی، حسی و نمادین محیط زندگی» بیان می‌دارند (Gerber & Hess, 2017, 712). علاوه بر آن اندیشمندانی با واژگان دیگر همچون ماهیت مکانی، فضا-مکان، انسان-محیط، ابعاد ملموس، عینی-ذهنی، محیط ادراک‌شده و... به‌طور غیرمستقیم به مبحث ادراک

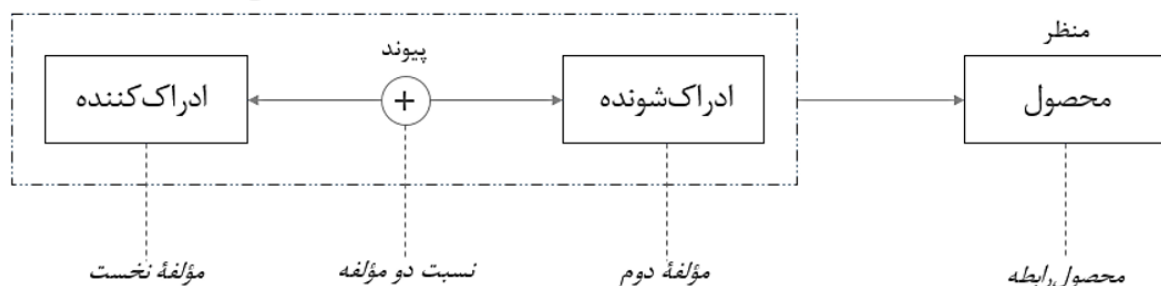
اشاره داشته‌اند. برای نمونه برک منظر را گونه‌ای دیگر از مکان می‌داند که محصول تعامل انسان و محیط در فضاهای بیرونی است (برک، ۱۳۸۷، ۸۸) یا لاسوس منظر را فرضیه‌ای بصری که در ارتباط با مکان و محیط اطراف و بازی دائمی میان پیدا و پنهان و حقیقت و خیال است، تلقی می‌کند (ماهان و منصور، ۱۳۹۶ الف، ۲۱؛ منصور، ۱۳۹۰، ۶۷). آنخلستم و همکاران نیز در بیان خود منظر را پدیده‌ای «انسان-محیط» معرفی می‌کنند (Angelstam et al., 2019, 1445). منصور نیز منظر را دارای ماهیت مکان و محصول تجربه انسان در فضا تعریف می‌کند (منصور، ۱۳۸۹، ۳۱). حبیبی (۱۳۸۸، ۷۱) نیز از این تعبیر بهره جسته و معتقد است: «منظر می‌تواند به‌عنوان یک ساختار که در آن احساس ما از مکان و خاطراتمان ماندگاری و پایداری ذهنی دارد، دیده شود». شیبانی نیز آورده است: «منظر تنها در لایه حسی و ملموس شهر، تعریف نمی‌شود بلکه دارای سه بُعد احساسی، فرهنگی و اکولوژیکی است» (شیبانی، ۱۳۸۹، ۴). علاوه بر آن برخی از پژوهشگران مانند تلنتو و همکاران، مستقیماً مدلی از پیوند فاعل (ادراک‌کننده) و طبیعت (ادراک‌شونده) ترسیم نموده‌اند و آن را به‌عنوان جوهره تعاریف منظر معرفی کرده‌اند (Talento, Amado & Kullberg, 2019, 8). آنچه جالب توجه است آنکه حتی پژوهشگرانی که منظر را معادل جنبه‌های بصری و عینی نیز می‌پندارند، اشاره به ایجاد یک رابطه ادراکی دارند. برای نمونه خراسانی‌زاده (۱۳۸۲، ۲۵) منظر را فضای بیرونی هر مکانی اطلاق می‌کند که در میدان دید باشد. تعبیر ذکاوت (۱۳۸۹، ۲۹) نیز چنین است: «منظر شهری (View)، کیفیت‌های بصری ثابت در فاصله دور از پهنه‌هایی از شهر است که از مکان‌ها و حوزه‌هایی خاص دریافت می‌شود». پژوهشگرانی که الگوی تفکیک‌شده برای عینیت و ذهنیت ارائه کرده‌اند نیز بر بنیان ادراک تعریف خود را توضیح می‌دهند. برای مثال گلکار بیان داشته است: «از بررسی رابطه میان محیط شهری و انسان می‌توان نتیجه گرفت منظر شهری یک سیستم است که از تلفیق سه زیرسیستم «منظر عینی شهر»، «منظر ذهنی شهر» و «منظر ذهنی-ارزیابانه شهر» شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر تنها از تعامل میان این سه زیرسیستم است که مفهوم منظر شهری شکل می‌گیرد» (گلکار، ۱۳۸۵، ۳-۴) و محمودی نیز مشابه آن را آورده است: «...حال اگر دسته اول را به‌عنوان عوامل مؤثر در منظر شهری معرفی کنیم، مشخص می‌شود منظر شهری یک منظر عینی از شهر است که اجزای آن را عناصری ملموس و کارکردی تشکیل می‌دهد. در مقابل، برداشتها و ادراک افراد و مخاطبین از عناصر موجود در شهر را می‌توان به‌عنوان سیمای شهر معرفی کرد» (محمودی، ۱۳۸۹، ۲۸).

که برخی از صاحب‌نظران بر الگوی ادراکی منظر تأکید کرده‌اند، می‌توان بر این اساس به بررسی تعاریف بر بنیان ادراک پرداخت. ادراک به محصول «فرآورده» و نیز به طی مراحل «فرایند» اطلاق می‌شود، ادراک کنشی درون‌ذهنی، دارای نمود بیرونی و برخوردار از پیوستگی و استمرار است (نقی‌زاده و استادی، ۱۳۹۳، ۷). ادراک در فلسفه از مهم‌ترین مباحث شناختی است که به رابطه «خویشتن» و «هستی» می‌پردازد. اگرچه تاکنون صاحب‌نظران این حوزه انواع متعددی برای آن برشمرده‌اند^۳ اما می‌توان سرشت تمامی انواع را در رابطه «ادراک‌کننده»، «ادراک‌شونده»، نحوه رابطه آنان و محصول این رابطه مشترک دانست (تقدیر، ۱۳۹۶، ۴۸-۶۷؛ سلیمانی، ۱۳۹۴، ۴۱-۶۰؛ خامنه‌ای، ۱۳۷۹، ۸-۱۴؛ نقی‌زاده و استادی، ۱۳۹۳، ۵). چنانکه آل‌هاشمی و منصور (۱۳۹۶، ۳۵) این رابطه ادراکی را این‌چنین وصف کرده‌اند: «مفهوم منظر از سه وجه تشکیل شده است که در یک رابطه پیچیده با یکدیگر متحد و یکی می‌شوند: یک سایت (زمین)، یک نگاه، یک تصویر»^۴. بنابراین بر این بنیان می‌توان به تعابیر صاحب‌نظران از هرکدام از مؤلفه‌های تشکیل این فرایند ادراکی پرداخت (تصویر ۱).

• مؤلفه نخست: ادراک‌کننده

چنانکه آورده شد، «دستگاه ادراک» یا «ادراک‌کننده» فاعل و آغازگر عمل درک‌کردن در فرایند ادراک است. بررسی این مؤلفه در بطن تعاریف ارائه‌شده آشکار می‌سازد که تمایز ظریفی میان اندیشه‌های متخصصان در معرفی این مؤلفه وجود دارد که اثری شگرف بر ماهیت محصول نهایی ایجاد می‌کند. ادراک‌کننده در آثار اندیشمندان با دو مفهوم «انسان» و «جامعه» بیان شده است که تفاوت این دو نگرش باور مؤلف را از اصالت فردی یا جمعی محصول نهایی آشکار می‌سازد. مرور وصف مؤلفه ادراک‌کننده در تعاریف نشان از آن دارد

منظر به عنوان رابطه‌ای ادراکی



تصویر ۱. منظر به عنوان یک رابطه ادراکی دارای دو مؤلفه «ادراک‌کننده» و «ادراک‌شونده» است که در نسبتی مشخص با یکدیگر تعامل می‌کنند. از این فرایند محصولی پدید می‌آید که منظر نام می‌گیرد. مأخذ: نگارندگان.

این فرایندها می‌داند. همچنین پژوهشگرانی مانند جینگل وو و ماتلاک مستقیماً از واژه «جامعه» سخن آورده‌اند (Wu, 2008, 45؛ ماتلاک، ۱۳۸۸، ۲۸-۳۰). به نظر می‌رسد این دسته از متخصصین منظر را رابطه‌ای می‌دانند که تنها از اجتماع افراد و خرد جمعی آنان حاصل می‌شود.

• مؤلفه دوم: ادراک‌شونده

از اصلی‌ترین چالش‌های اندیشمندان، وصف مؤلفه ادراک‌شونده در رابطه منظر است، چنانکه بررسی تعاریف نشان می‌دهد این مفهوم با توصیف‌های متفاوتی چون محیط اطراف، محیط طبیعی، طبیعت، موقعیت جغرافیایی و... ارائه شده است. تبیین مؤلفه ادراک‌شونده از این روی در منظر اهمیت دوچندان می‌یابد که منظر به فضای بیرونی می‌پردازد و فاقد کرانه‌های بارز معماری در آن است. چنانکه منصور (۱۳۸۹، ۳۱) منظر را عرصه‌ای میانی تعبیر می‌کند که حد واسط فضای معماری، که رنگ انسان در آن حداکثری است و فضای طبیعی، که صورت پیرامون انسان است تبیین می‌نماید. به عبارتی مؤلفه ادراک‌شونده در منظر یکی از وجوه تشخیص منظر است که موضوعیت آن را تعیین می‌کند، بنابراین تعریف این مؤلفه در منظر می‌تواند ماهیت این مفهوم را متحول سازد. با توجه به تعاریف موجود به نظر می‌رسد می‌توان وصف‌های ارائه‌شده را توسط صاحب‌نظران در دو دسته اصلی قرار داد، اندیشمندانی که از عبارت «طبیعت» برای بیان مفهوم خود بهره برده‌اند و صاحب‌نظرانی که از واژه «محیط» استفاده کرده‌اند.

در تعاریف اندیشمندان از این وجه، یکی از پرتکرارترین مفاهیم، «طبیعت» است. عبارت طبیعت مفهومی عام است که به مادیتی خاص اشاره دارد و گاهی مقصود از آن جهان فیزیکی است که کلیتی است که فرایندهای ارگان‌های زنده و غیرزنده را شامل می‌شود و گاهی مفهومی است که معادل جهان هستی انگاشته می‌شود. اگرچه انسان جزئی از طبیعت است، اما عموماً انسان و فعالیت‌های مربوط به او در دسته‌ای جداگانه قرار می‌گیرد. چنانچه در تقسیم‌بندی ارسطو نیز پدیده‌های طبیعی از پدیده‌های انسانی جدا شده‌اند و اصلی‌ترین مشخصه آن پویایی بیان شده است (Kelsey, 2003, 59). با این حال افرادی چون وایتهد با تشکیل در نظرات ارسطو، طبیعت را مجموع آن چیزی می‌دانند که توسط حواس انسان قابل ادراک است (Whitehead, 1920, 2). در بسیاری از تعاریف ارائه‌شده از مفهوم منظر، مؤلفه عینیت با تعابیر گوناگون به‌عنوان طبیعت تفسیر شده است. برای نمونه مک‌هارگ در تبیین وجه عینی تعریف منظر، با اشاره به «بوم‌شناسی و الگوهای طبیعی، هیدرولوژی، باد و دیگر عوامل طبیعی» به بیان طبیعت می‌پردازد (مک‌هارگ، ۱۳۸۹، ۲۹)، چارلز والد‌هایم از آن با عنوان

است که می‌تواند در صورت وقوع فرد یا جمع تفسیر شود. دیگر پژوهشگرانی مانند بول مارکس، سوافیلد، ماینیگ، بل، آنخلستم، فورستر، فارینا، برک و منصور نیز از زمره افرادی هستند که در تعریف مفهوم منظر اصالت را بر فردیت آن ابراز داشته‌اند (Farina, 1998, 10; Förster et al., 2012, 175; Angelstam et al., 2019, 1445; Adams, 1991, 16; Kyvelou & Gourgiotis, 2019, 3؛ سوافیلد، ۱۳۹۵، ۱۶۸؛ ماهان و منصور، ۱۳۹۶ الف، ۲۱؛ منصور، ۱۳۸۹، ۳۱؛ منصور، ۱۳۸۳، ۷۲؛ ماهان و منصور، ۱۳۹۶ ب، ۳۴-۳۹؛ بل، ۱۳۹۴، ۹۱؛ برک، ۱۳۹۲، ۲۵). در نگرش این دسته منظر محصولی نسبی است که به‌طور فردی نیز قابل حصول است ولی به‌عنوان مفهومی جمعی نیز معتبر است.

همان‌طور که عنوان شد برخی از متخصصان در تعریف خود برای بیان ادراک‌کننده از عباراتی استفاده کرده‌اند که به مفهوم «جامعه» اشاره دارد. جامعه مجموعه‌ای از افراد را می‌گویند که در پی اهدافی مشترک با یکدیگر تعامل دارند. هگل با تأکید بر همین مبنا، معتقد است: «جامعه واقعی عینی دارد که کاملاً از افراد متمایز است» (حسینی دشتی، ۱۳۸۵) و سوارس (Soares, 2018, 17) نیز بیان می‌دارد که جامعه مفهومی فراتر از اجزای تشکیل‌دهنده آن است و فهم فردیت‌ها تنها از طریق جامعه‌ای که درونشان هستند ممکن است، لذا در این نگرش افراد از جامعه تأثیر می‌پذیرند و به عبارتی جامعه منشأ تحول و اثرگذاری است. به نظر می‌رسد پژوهشگرانی که از عبارت «جامعه» برای بیان مقصود خود بهره گرفته‌اند اصالت را در منظر به جمع داده‌اند. چنانچه کازگرو بیان می‌دارد: «منظر محصول نگرش یک فرد نیست، بلکه جمع آرا و نگرش‌های افراد جامعه است» (Cosgrove, 1992, 85). اشتاینر نیز با مطرح کردن «جریان‌های اجتماعی» بر وجه جمعی ذهنیت در منظر تأکید دارد (Steiner, 2011, 335) و مشابه آن هاگروشتاند از «جنبه‌های اجتماعی» سخن می‌گوید (Hägerstrand, 1993, 19). استفن دنیلز این مؤلفه را «پدیده‌ای ایدئولوژیک» نام می‌نهد که در کنار پدیده مادی منظر را پدید می‌آورد (Daniels, 1989, 198). برخی از پژوهشگران نیز از عبارت فرهنگ که مفهومی جمعی است، برای بیان تعریف خود بهره جسته‌اند، مانند لاسوس، که «وجه فرهنگی» را عنصر پدید آورنده منظر قلمداد می‌کند (منصوری و آتشین‌بار، ۱۳۹۰، ۶۷) و دونکان و والد‌هایم از «فرهنگ» به‌عنوان شکل‌دهنده این محصول یاد می‌کنند (Duncan, 1990, 56; Duncan & Duncan, 2009, 3-11; Waldheim, 2016, 2-11). مک‌هارگ نیز با نگرشی فرایندمحور عبارت «فرایندهای فرهنگی» را پیشنهاد می‌کند (تقوایی، ۱۳۹۱، ۲۲) و بر آن اساس منظر را تجلی

نقی‌زاده می‌آورد: «در دیدگاه معاصر نیز طبیعت چیزی است که انسان در پدیدآوردن آن دخالت نداشته باشد و محصول دیالکتیک ذهنی انسان و جهان عینیات است» (نقی‌زاده، ۱۳۸۴، ۱۳۲)؛ اما محیط هر آن چیزی است که اطراف خود را احاطه کرده است و می‌تواند اعم از طبیعی و مصنوع باشد؛ چنانچه ترکیباتی چون محیط طبیعی و محیط مصنوع اصطلاحاتی است که برای تدقیق در موضوع ایجاد شده‌اند. بر همین اساس برخی از متخصصین بر استفاده از عبارت محیط ترجیح داشته‌اند، برای نمونه لاسوس برای تبیین وجه عینیت از عبارت «محیط اطراف» بهره برده است (ماهان و منصور، ۱۳۹۶ الف، ۲۱؛ منصور و آتشین‌بار، ۱۳۹۰، ۶۷؛ Capone, 2013, 63). آرتس و همکاران از «محیط انسانی» (Arts et al., 2017, 457) و سایمون سوافیلد و شیبانی با بیان «پدیده ملموس» در تلاش‌اند گستره وسیع‌تری را مشمول گردانند (سوافیلد، ۱۳۹۵، ۱۶۸؛ شیبانی، ۱۳۸۹، ۴). همچنین برخی دیگر از صاحب‌نظرانی مانند آنخلستم، برک، بل و منصور نیز از واژه محیط در وصف این مؤلفه بهره برده‌اند (Angelstam et al., 2019, 1445؛ برک، ۱۳۹۲، ۲۵؛ بل، ۱۳۹۴، ۹۱؛ منصور، ۱۳۸۹، ۳۱؛ منصور، ۱۳۸۳، ۷۲).

• نسبت دو مؤلفه (پیوند)

از مهم‌ترین بخش‌های تعریف مفهوم منظر، شیوه‌ای است که صاحب‌نظر برای تبیین نسبت‌های میان این مؤلفه‌ها در نظر گرفته است. بررسی تعاریف صاحب‌نظران نشانگر آن است که این بیان‌ها دارای تمایزهای ظریفی است که شناخت آن در ادراک بهتر تنوع این نگرش‌ها مؤثر است. یکی از تفاسیر غالبی که برای پیوند دو مؤلفه ادراک‌کننده و ادراک‌شونده وجود دارد و کمتر به آن اشاره شده است، پیوند گسسته است. در برخی از تعاریف اندیشمندان، مؤلفه‌های منظر به‌عنوان عواملی جداگانه و گسسته تصور شده‌اند و توصیفی از صفت پیوستگی و درهم‌تنیدگی آن ارائه نشده است. تأکید بر این پیوند از آن جهت قابل توجه است که در صورت ارائه چنین وصفی ماهیت محصول رابطه دچار تحول می‌شود و از طرفی مبین آن است که چنین محصولی حاصل ادغامی تحلیل‌گونه است که به قابلیت تجزیه به مؤلفه‌ها با حفظ خصوصیات ندارد. برای نمونه محمودی با تفکیک منظر به دو دسته عینی و ذهنی، چنین آورده‌است: «... حال اگر دسته اول را به‌عنوان عوامل مؤثر در منظرشهری معرفی کنیم، مشخص می‌شود که منظر شهری یک منظر عینی از شهر است که اجزای آن را عناصری ملموس و کارکردی تشکیل می‌دهد. در مقابل، برداشت‌ها و ادراک افراد و مخاطبین از عناصر موجود در شهر را می‌توان به‌عنوان سیمای شهر معرفی کرد» (محمودی، ۱۳۸۹، ۲۸). همچنین در تعاریف مارکس، ماینیگ، دنیلز، ساموئلز و دونکان این دو وجه با نگرشی

«سیستم‌های طبیعی» نام می‌برد (Waldheim, 2006, 43) و هاگرتستراند آن را «جنبه‌های طبیعی» معرفی می‌کند (Hägerstrand, 1993, 19; Hägerstrand, 2000, 12). برخی نیز بر جنبه اکولوژی که بخشی از مفهوم طبیعت است تأکید دارند، همچون اشتاینر که در وصف عینیت از عبارت «جریان‌های اکولوژیک» استفاده کرده و فارینا که با مطرح کردن عبارت «بسترهای زنده و غیرزنده» از منظر به‌عنوان «رویکردی اکولوژیکی» یاد می‌کند (Farina, 1998, 10). علاوه بر آن کازگرو، فورمن و ناوه نیز با اشاره به جنبه‌های فرایندی و اکولوژیک، به طبیعت اشاره کرده‌اند (Naveh & Lieberman, 1984, 148; Forman & Gordon, 1986, 89; Forman, 1987, 24; Cosgrove, 1992; منصور و حبیبی، ۱۳۹۸، ۶۷). همچنین برخی از صاحب‌نظران چون بورل مارکس، لوییس و جینگل وو به‌طور مستقیم از عبارت طبیعت استفاده کرده‌اند (Adams, 1991, 16; Lewis, 1979, 12; Wu, 2008, 45). چنانکه آورده‌شد، برخی از مؤلفان برای بیان این وجه از تعریف منظر، از مفهوم «محیط» بهره برده‌اند. یکی از بارزترین تمایزهای عبارت محیط و طبیعت در آن است که محیط بر خلاف عبارت طبیعت مفهومی نسبی است. محیط در ارتباط با سوژه تعریف می‌شود و هنگامی که از آن سخن می‌رود باید معین شود محیط چه سوژه‌ای مد نظر است یا آنکه باید با مضاف‌شدن به عبارتی دیگر معنای آن تکمیل شود: مانند محیط طبیعی، محیط یک شیء و... گودینی و همکاران این مفهوم را چنین آورده‌اند: «فراگیرنده، دربرگیرنده و یا احاطه‌کننده، نخستین سری از معانی ارائه‌شده برای این واژه است، که احاطه چیزی بر چیز دیگر را نشان می‌دهد» (گودینی، بختیاری منش و براتی، ۱۳۹۷، ۸). فرشاد نیز این ویژگی محیط را چنین تعریف می‌کند: «محیط یک مجموعه عبارت است از عناصر و خواص مربوط به آن که جزء آن مجموعه نیستند، اما تغییر در هر یک از آن‌ها می‌تواند در حالت مجموعه تغییراتی ایجاد کند» (فرشاد، ۱۳۶۲، ۴۸). همچنین لنگ نیز با تأکید بر مفاهیم زیستی از این تأثیر دوجانبه می‌گوید: «محیط اطراف یک موجود، محیط زندگی موجودات دیگر نیز هست و گویای نسبت رابطه آن با پیرامونش است» (لنگ، ۱۳۹۵، ۸۹-۹۰). علاوه بر آن به‌نظر می‌رسد مفهوم محیط دارای دربرگیرندگی وسیع‌تری است چنانکه عبارت محیط علاوه بر طیف مادی، می‌تواند گستره‌ای از مفاهیم غیرمادی مانند محیط‌های مجازی را نیز شامل شود. از طرفی گاه ممکن است عبارت طبیعت در مواردی در مقابل محیط‌های انسان‌ساخت و مصنوع نیز برداشت گردد. ویلکوشکا نیز در مقاله خود به‌طور مفصل به لزوم درک تفاوت ظرایف مفاهیم طبیعت و محیط در بررسی منظر می‌پردازد (Wilkoszewska, 2019, 89-95). چنانکه

جزء‌گرایانه و به‌صورت غیرپیوسته دیده شده است (ماهان و منصور، ۱۳۹۶ الف، ۲۱؛ Daniels, 1989, 198; Samuels, 1979, 58; Duncan, 1990, 56; Adams, 1991, 16; Duncan & Duncan, 2009, 3). تفسیر دیگری که از نسبت ارتباط دو مؤلفه ارائه شده است، مدل پیوسته یا درهم‌تنیده است. این شکل از توصیف بیانگر آن است که این دو عامل با یکدیگر ادغامی غیرقابل تجزیه دارند و از تلفیق آن‌ها موجودی با ویژگی‌هایی جدید متولد می‌شود. ادغام صرفاً یک تغییر نام یا ترکیب عناصر مختلف، کسب هویت جدید، یا غلبه یک عنصر بر سایر عناصر نیست، بلکه در نتیجه ادغام، تعامل بین همه عناصر و تغییر نهایی در همه آن‌ها به‌وجود می‌آید و موجود جدیدی متولد می‌شود که از هویت کاملاً یکپارچه برخوردار است (Westra & Rodgers, 1991). لامعی نیز از ادغام به‌عنوان فرایند تشکیل کل جدید یاد می‌کند: «مفهوم ادغام شامل فرایند ترکیب یک یا چند عنصر و تشکیل یک کل جدید است. تعامل بین عناصر این کل موجب یکپارچگی آن می‌شود» (لامعی، ۱۳۸۶). این دسته از اندیشمندان در تعریف با وصف‌های مختلفی بر مفهوم پیوستگی و ادغام تأکید کرده‌اند. برای نمونه این شکل از تصویرگیری در تعریف لاسوس با عبارت «وجه غیرقابل تفکیک» به چشم می‌آید و در بیان جینگل و عبارت «درهم‌کنش» گویای این نسبت است (منصوری و آتشین‌بار، ۱۳۹۰، ۶۷؛ Wu, 2008, 45; Capone, 2013, 63). همچنین توان بر پیوستگی این دو عامل تأکید می‌نماید که این دو مؤلفه «حاصل جمع اجزا نیست بلکه یک کل» است (Tuan, 1979, 90) و والد‌هایم از واژه‌های «یکپارچگی»^۵ و «تلفیق»^۶ برای توصیف آن بهره می‌گیرد (Waldheim, 2006, 43).

• **محصول رابطه**

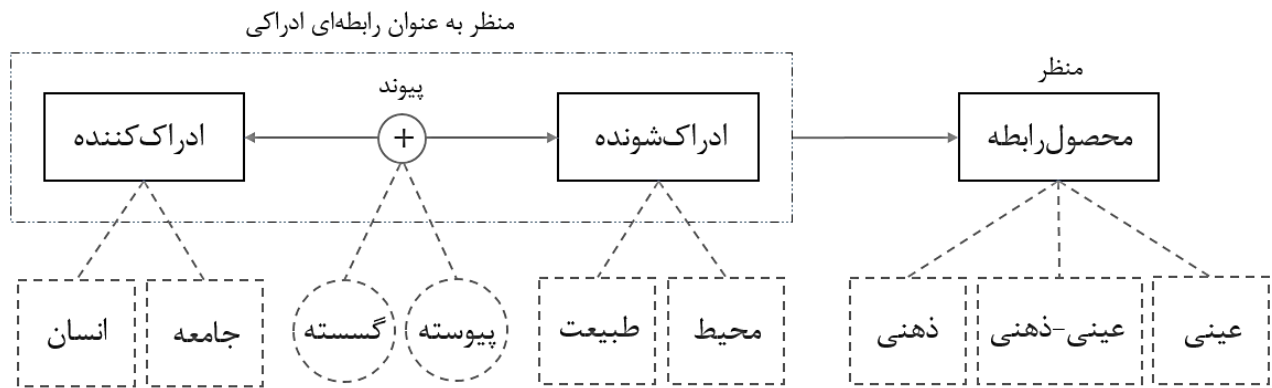
یکی از چالش‌های اصلی در تعریف منظر، وصف محصول پیوند دو مؤلفه ادراک‌کننده و ادراک‌شونده است که در نهایت «منظر» نامیده شده است. چنان‌که در برخی از تعاریف نیز آورده شده است، این موضوع موجب تکرار آرا در میان صاحب‌نظران برای تبیین ماهیت «منظر» شده است به‌گونه‌ای که بعضاً در مورد آن سخنی به میان نیامده و ماهیت آن به صورتی مبهم باقی مانده است. به‌طور کلی می‌توان نگرش‌های اندیشمندان با رویکرد عینی-ذهنی را در توصیف ماهیت منظر در سه دسته طبقه‌بندی کرد: برخی از پژوهشگران ماهیت محصول رابطه دو مؤلفه مذکور را «عینی» انگاشته‌اند. ماهیت عینی در اینجا به آن معناست که منظر یک پدیده بیرونی است و منحصرأ دارای ابعاد فیزیکی است. به‌طور غالب این دسته از پژوهشگران با وصف موضوعات و عباراتی که به ویژگی‌های جغرافیایی و

اکولوژیک اشاره دارد به تعریف منظر می‌پردازند. برای نمونه خراسانی‌زاده منظر را به فضای بیرونی هر مکانی اطلاق می‌کند که در میدان دید باشد (خراسانی‌زاده، ۱۳۸۲، ۲۵). ریزر آن را مجموعه‌ای از ویژگی‌های اکولوژیک بیان می‌دارد و چنین می‌آورد: «اکولوژی منظر به‌عنوان سیستمی متشکل از بازه‌های زمانی و محدوده‌های مکانی است. برای مثال اکولوژی منظر یک روستا از بازه‌های زمانی دوره‌های سالانه کاشت و رشد گیاهان یا جریان‌های حرکتی حشرات و جانوران به صورت چندروزه باشد که در محدوده‌های مکانی مانند مزارع، بیشه‌زارها، جنگل‌ها و جاده‌ها صورت می‌پذیرد. مجموعه این جریان‌های زمانی و مکانی سازنده اکولوژی منظر است (Risser, 1987, 18). ناوه نیز مشابه آن آورده است: «منظر به‌عنوان یک کل واحد از ویژگی‌های فیزیکی، اکولوژیکی و جغرافیایی، به ادغام با فرایندها و الگوهای طبیعی و انسان‌ساخت می‌پردازد» (Naveh, 1987, 78). همچنین فورمن این مفهوم را چنین بیان کرده: «منظر به‌عنوان بستری ناهمگون متشکل از خوشه‌ای از اکوسیستم‌های متعامل است که در اشکال مشابه تکرار می‌شود» (Forman, 1987, 24; Forman & Godron, 1986, 89). وو نیز می‌آورد: «[منظر] مکانی جغرافیایی است که از متغیرهای فضایی ناهمگون توسط ویژگی‌های موزاییک لکه‌ها در اندازه، شکل، محتوا و تاریخ متفاوت تشکیل شده است. این محدوده‌های مناظر توسط واحدهای جغرافیایی، اکولوژیکی و انسانی تعریف شده است» (Wu, 2008, 45). در این تعریف اگرچه در کنار موضوعات اکولوژیکی به انسان هم اشاره کرده ولی انسان در این تعریف نه به‌عنوان ادراک‌کننده بلکه به‌عنوان جزئی از اکوسیستم وجود دارد. بنابراین تعریف همچنان ماهیت منظر را عینی و فیزیکی بیان داشته است. یکی از نگرش‌های غالب در بحث ماهیت منظر، نگرشی است که ماهیت منظر را پدیده‌ای «ذهنی» می‌انگارد. در تفسیر این دسته از اندیشمندان ماهیت محصول منظر موضوعی تجربیدی و انتزاعی است که در نهایت در ذهن وجود دارد. این نگرش تفسیرگونه و ارزیابانه در تعاریف برخی از اندیشمندان با ادبیاتی متفاوتی بیان شده است. تام ترنر، در وصف ماهیت تفسیری منظر آن را «دید خاصی از جهان» تبیین نموده است و در بخشی نیز چنین آورده است: «ادراکات ما از شهر همان چیزی است که منظر نام گرفته است» (ترنر، ۱۳۷۶، ۱۱۷). همچنین کازگرو منظر را نوعی گفتمان میان طبیعت و جامعه تفسیر کرده و عنوان می‌نماید: «این گفتمان از نظر فلسفی و عملی ارتباط نزدیکی با نحوه نگرش ما دارد» (Cosgrove, 1992, 85). یوفی توان نیز از این نگرش با «تجربه زیباشناختی» انسان نام برده است (Tuan, 1979, 90) و فارینا با آوردن عبارت «توصیف ابژه‌ها» ماهیت منظر را ماهیتی تفسیری و ذهنی بیان کرده

است (Farina, 1998, 10). این مفهوم از ماهیت منظر شباهت به برخی توصیفات صورت گرفته دارد که از ادبیات «متن» و «قرائت» سخن می‌آورد. چنانچه لوییس و ساموئلز منظر را «سرگذشت انسان‌ها» (Lewis, 1979, 12; Samuels, 1979, 58) و دونکان آن را «متنی» قابل تفسیر بیان می‌دارد (Duncan, 1990, 56; Duncan & Duncan, 2009, 3). در نظر دسته‌ای از متخصصان، منظر ماهیتی «عینی-ذهنی» دارد. می‌توان ادعا کرد امروزه این تفسیر از ماهیت منظر رایج‌ترین تفسیر در میان اندیشمندان است. در نظر این دسته منظر حاصل جمع ویژگی‌های دو مؤلفه نخست نیست، بلکه سنتزی با ویژگی‌های پیچیده و جدید است که با عنوان «عینی-ذهنی» شناخته می‌شود و پیش‌تر در هیچکدام از دو بُعد عینیت و ذهنیت موجود نبوده است. منظر با ماهیت عینی-ذهنی مفهوم جدیدی است که از ادغام ابعاد نامتجانس پیشین شکل می‌گیرد. اندیشمندان برای بیان این مفهوم از عبارات مختلفی بهره‌گرفته‌اند، اصطلاحاتی چون «مکان»، «محیط ادراک‌شده» و «عینی-ذهنی» از جمله واژگانی هستند که برای بیان این مفهوم به‌کار گرفته شده‌اند. به گفته گروتز (گروتز، ۱۳۸۳، ۱۳۸) یا به عبارتی فضا است که از طریق عواملی که در آن قرار دارند صاحب هویت خاصی شده است (گروتز، ۱۳۸۳، ۱۳۸) یا به عبارتی مکان بخشی از فضا است که به واسطه عناصر و عواملی خاص صاحب هویتی منحصر به فرد می‌شود. آگوستین برک با بیان ماهیت مکانی به عینی-ذهنی بودن منظر اشاره می‌کند و منظر را گونه‌ای دیگر از «مکان» می‌پندارد (برک، ۱۳۸۷، ۸۸) و منصوری نیز عنوان می‌کند «منظر دارای ماهیت مکان و محصول تجربه انسان در فضا است» (منصوری، ۱۳۸۹، ۳۱). سایمون بل و ولفگانگ هابر نیز با استفاده از عبارت «محیط ادراک‌شده» بر ماهیت عینی-ذهنی منظر تأکید می‌نمایند (بل، ۱۳۹۴، ۹۱؛ Haber, 2004, 103). همچنین هاگرتزاند از عبارت «محدوده جغرافیایی» استفاده می‌کند که دارای جنبه‌های اجتماعی شده است (Hägerstrand, 1993, 19). شیبانی و حبیبی نیز با استفاده از عبارت «مکان» از جمله اندیشمندانی هستند که منظر را پدیده‌ای مکانمند تفسیر کرده‌اند (شیبانی، ۱۳۸۹، ۴؛ حبیبی، ۱۳۸۸، ۷۱). برخی نیز چون لاسوس مستقیماً به ماهیت «عینی-ذهنی» اشاره نموده‌اند. وی آورده است: «منظر پدیده‌ای پیوسته است که وجوه عینی و ذهنی آن غیرقابل تفکیک است» (ماهان و منصوری، ۱۳۹۶ الف، ۲۱؛ منصوری و آتشین‌بار، ۱۳۹۰، ۶۷؛ Capone, 2013, 63) و سوافیلد همین مفهوم را چنین وصف می‌نماید: «منظر نه تنها نشان‌دهنده پدیده‌ای ملموس و محصول قابل رؤیت در مقابل چشمان ماست، بلکه آن موضوعی ذهنی یا تصویری متبادر در ذهن نیز بیان می‌کند» (سوافیلد،

بحث

به نظر می‌رسد تفسیرهای متعدد در هر یک از مؤلفه‌ها می‌تواند موجب تکثر مفهومی شود که مانعی است که امکان بحث بر موضوعی یکسان برای پژوهشگران صلب می‌نماید. چنانکه آورده شد، در تبیین مؤلفه «ادراک‌کننده»، دو مفهوم «انسان» و «جامعه» توسط اندیشمندان متفاوت طرح شده است. دسته نخست که «انسان» را محور این تعریف قرار می‌دهد عموماً بر جنبه‌های روانشناسی آن تأکید دارد و دسته دوم با چشم‌پوشی بر تمایلات فردی، «جامعه» را منشأ موجودیت منظر می‌انگارد و برای تفسیر آن گرایش به جنبه‌های جامعه‌شناسانه دارد. اگرچه در هیچکدام از گروه‌های تخصصی غلبه محسوس از این تعبیر وجود ندارد که بتوان از آن نتیجه‌گیری دقیق کرد و این موضوع را می‌توان از ابهامات اصلی مفهوم منظر استنباط نمود که پژوهشگران به اجماع کلی نسبت به آن نرسیده‌اند. با این حال به نظر می‌رسد مفهوم انسان جامعیت بیشتری دارد. از آنجا که این رابطه برای یک انسان نیز می‌تواند عملی باشد و در واقع بر اثر تعامل و برهم‌نهی آن افراد خرد جمعی و ذهنیت جامعه شکل می‌گیرد، به نظر می‌رسد مفهوم انسان شمول بیشتری برای اقسام منظر دارد. چنانکه اصولاً جامعه خود مفهومی با مقیاسی نسبی است که می‌تواند بر حسب موضوع، مقیاس‌های متفاوتی از آن جمعیت برداشت شود. برای نمونه جامعه مخاطبان یک شهر، یک محله و یک ساختمان خود طیفی از مقیاس‌های متفاوت را بیان می‌دارد که به صورت فرضی می‌تواند تا حد یک انسان نیز کاهش یابد. مؤلفه دوم مورد بحث، «ادراک‌شونده» است. چنانکه از تعاریف متخصصان برآمد، دو رویکرد اصلی در وصف این مؤلفه وجود دارد که می‌توان آن را در دو عبارت «طبیعت» و «محیط» دسته‌بندی کرد. به نظر می‌رسد عبارت طبیعت بیشتر توسط اکولوژیست‌ها و جغرافی‌دان‌ها پیشنهاد شده است (جدول ۱) که ممکن است مرتبط با دغدغه‌مندی حرفه‌شان استنباط



تصویر ۲. تعبیر متفاوت ارائه شده توسط صاحب نظران در تبیین ارتباط میان ادراک کننده و ادراک شونده، نوع ارتباط و ماهیت محصول رابطه منظر. مأخذ: نگارندگان.

این نگرش دارد. در توصیفی که از نسبت این دو مؤلفه صورت گرفته به دو نسبت «پیوسته» و «گسسته» اشاره شده است. اکثر انجمن‌ها و متخصصان منظر بر لزوم پیوستگی این دو تأکید کرده‌اند و تولید محصول منظر را نه از کنار هم قرار گرفتن این دو مؤلفه، بلکه از درهم‌تنیدگی آن می‌دانند. نخست آنکه در رابطه منظر به عنوان پدیده ادراکی، زمانی که ادراک قطع شود منظر نیز از میان می‌رود و وجود منظر منوط به پیوستگی رابطه ادراک کننده و ادراک شونده است. از طرفی یکی از ویژگی‌های بنیادینی که برای مفهوم منظر در نظر گرفته می‌شود، «کل‌نگر» بودن آن است که توسط بسیاری از پژوهشگران و مجامع علمی به عنوان صفتی جوهری تأکید شده است (Makhzoumi, 2015, 113; Council of Europe, 2000b; Naveh, 1987, 78; ۱۳۹۲، ۲۵؛ منصوری، ۱۳۸۹، ۳۱). در مقابل، اقداماتی که تحت عنوان اعمال بخشی‌نگر یا جزء‌نگر عنوان می‌شود، حاصل گسسته‌انگاری این دو مؤلفه است. نمونه‌هایی که توجه صرف به کالبد دارد و مؤلفه‌های اجتماعی در آن به صورت بخشی الحاق شده‌اند، تحت تأثیر چنین مدلی عمل می‌کنند. مدل مفهومی که در آن تصور می‌شود می‌توان کلیت رابطه را به دو مؤلفه آن تجزیه کرده و آن‌ها را به صورت جداگانه مورد بررسی قرار داد. بنابراین به نظر می‌رسد با توجه به ماهیت کل‌نگرانه مفهوم منظر مدل ادراک پیوسته که همواره فاعل و مفعول ادراک با یکدیگر در حال تعامل هستند، مدل صحیح‌تری از تعامل منظر را شرح می‌دهد. ماهیت محصول رابطه ادراکی منظر، در بیان اندیشمندان به سه صورت «عینی»، «ذهنی» و «عینی-ذهنی» بیان شده است. بررسی آرا متخصصینی که منظر را به عنوان پدیده‌ای عینی انگاشته‌اند بیانگر آن است که محصول -منظر- فاقد ابعاد ذهنی مخاطب است. چنانکه آورده شد، پنداشتن منظر به صورت پدیده‌ای عینی آنچه جوهره مفهوم منظر و ایجاد

شود. اگرچه مفهوم طبیعت به لحاظ فلسفی مفهومی بسیار جامع است و تمام مصنوعات را نیز در برمی‌گیرد، ولی تصور مصطلح آن که آن را در مقابل مصنوعات به کار می‌برد این خطر را دارد که مفهوم منظر را با کژتابی مواجه و یا محدود به موضوعات غیرمصنوع چون فضای سبز کند. همچنین عباراتی چون «منظر اکولوژیک» یا اقدامات عملی که منظر را معادل ساماندهی فضای طبیعی می‌انگارد، حاصل این نگرش است. در این رویکردها غالباً مصادق‌های طبیعت با عباراتی چون محیط اکولوژی، فضاها، سبز، گونه‌های جانوری، جریان‌های باد و... مطرح می‌شود (ن.ک. تقوایی، ۱۳۹۱، ۲۲؛ مک‌هارگ، ۱۳۸۹، ۲۹؛ ۱۸، ۱۳۸۷، ۱۸، ۲۹؛ Risser, 1987, 18). از طرفی عموم انجمن‌های تخصصی و معماران منظر این مؤلفه را فراتر از محیط طبیعی انگاشته‌اند و آن را با عبارت کلی‌تر «محیط» بیان نموده‌اند. در این دسته تعاریف، بارز است که پژوهشگر معتقد به ابعادی فراتر از محیط طبیعی است و برای منظر ابعاد کارکردی دیگری نیز در نظر می‌گیرند. در این تعاریف به مصادیقی از محیط‌های انسان‌ساخت چون شهرها و عناصر مصنوع نیز اشاره می‌شود. در این شیوه تفسیری پژوهشگر در کنار طبیعت بر وجود محیط‌های دیگری تأکید دارد که انحصاراً محصولی طبیعی نیست و ممکن است خود محصولی از تعامل انسان و محیط باشد. به عبارتی مفهوم محیط علاوه بر آنکه طبیعت را در برمی‌گیرد می‌تواند مفاهیم مصنوع را نیز شامل شود و از بدفهمی‌های رایج که منظر را محدود به محیط‌های طبیعی می‌پندارند جلوگیری کند. از طرفی چنانکه اشاره شد، عبارت محیط خود دارای نسبییتی در مفهوم است که با جوهره ساختار این مفهوم که محیط را نسبت به انسان می‌سنجد، همخوانی و تطابق بیشتری دارد.

بیان نسبت دو مؤلفه ادراک کننده و ادراک شونده بخشی از تعریف منظر است که تأثیر بسزایی در نحوه تفسیر حاصل از

جدول ۱. ارزیابی تعابیر صاحب‌نظران از مؤلفه‌های تعریف منظر. مأخذ: نگارندگان.

تخصص	نظریه پرداز	ادراک‌شونده	ادراک‌کننده	نسبت دو مؤلفه	محصول رابطه
متخصصین منظر	برنارد لاسوس (ماهان و منصورى، ۱۳۹۶ الف، ۲۱؛ منصورى و آتشین‌بار، ۱۳۹۰، ۶۷؛ 63، 2013، Capone)	محیط (محیط اطراف)	جامعه (وجه فرهنگی، عنصر پدیدآورنده)	پیوسته (وجه غیر قابل تفکیک)	عینی-ذهنی (مکان)
	مارتا شوارتز (MSP, n.d)	طبیعت (محیط طبیعی)	انسان (انسان)	پیوسته (تعامل)	عینی-ذهنی (بستری مکانی)
	بورل مارکس (Adams, 1991, 16)	طبیعت (طبیعت)	انسان (انسان)	گسسته (رابطه)	عینی (ویژگی‌های بصری)
	ایان مک‌هارگ (تقوایی، ۱۳۹۱، ۱۰۴؛ مک‌هارگ، ۱۳۸۹، ۳۹)	طبیعت (بوم‌شناسی، هیدرولوژی، الگوهای طبیعی و...)	جامعه (فرایندهای فرهنگی)	پیوسته (تعامل)	عینی (تجلی فرایندهای متغیر اکولوژی)
	تام ترنر (منصورى، ۱۳۸۹، ۳۲؛ ترنر، ۱۳۷۶، ۱۱۷)	محیط (موقعیت جغرافیایی)	انسان (ادراک هر شخص)	پیوسته (تعامل)	ذهنی (دید خاصی از جهان)
	سایمون سوافیلد (سوافیلد، ۱۳۹۵، ۱۶۸)	محیط (پدیده ملموس)	انسان (موضوعی ذهنی)	پیوسته (تعامل)	عینی-ذهنی (محیط ادراک‌شده)
	جان ماتلاک (ماتلاک، ۱۳۸۸، ۲۸-۳۰)	محیط (محیط)	جامعه (مردم)	پیوسته (پیوند)	عینی-ذهنی (مکان)
	سایمون بل (بل، ۱۳۹۴، ۹۱)	محیط (محیط)	انسان (ادراک توسط انسان)	پیوسته (تعامل)	عینی-ذهنی (محیط ادراک‌شده)
	سید امیر منصورى (منصورى، ۱۳۹۲، منصورى، ۱۳۸۹، ۳۱؛ منصورى، ۱۳۸۳، ۷۲)	محیط (جغرافیا)	انسان / جامعه (انسان، جامعه)	پیوسته (تعامل)	عینی-ذهنی (مکان)
	امین حبیبی (حبیبی، ۱۳۸۸، ۷۱؛ منصورى و حبیبی، ۱۳۸۹، ۶۷)	محیط (محیط)	جامعه (مردم)	پیوسته (هم‌سویی)	عینی-ذهنی (فضا-مکان)
	مهدی شیبانی (شیبانی، ۱۳۸۹، ۴)	محیط (لایه حسی و ملموس شهر)	انسان/جامعه (بُعد احساسی انسان و بُعد فرهنگی جامعه)	پیوسته (دارای سه بُعد احساس، فرهنگ و اکولوژی)	عینی-ذهنی (مکان)
	فدراسیون بین‌المللی معماران منظر (IFLA, n.d) (IFLA)	محیط (محیط)	انسان (انسان)	گسسته (مرتبط)	عینی-ذهنی (مکان)
	انجمن معماران منظر آمریکا (ASLA, n.d) (ASLA)	محیط (محیط طبیعی، مصنوع و...)	جامعه (جامعه)	پیوسته (تعامل)	عینی-ذهنی (مکان)
	کنوانسیون اروپایی منظر (ELC) (Council of Europe (2000a), Council of Europe (2000b))	طبیعت (طبیعت)	جامعه (مردم)	پیوسته (رابطه)	عینی-ذهنی (محیط ادراک‌شده)
	مجمع معماران منظر اروپا (ECLAS) (ECLAS, n.d)	محیط (محیط بیرونی)	انسان (انسان)	پیوسته (رابطه)	عینی-ذهنی (مکان)
موسسه معماران منظر انگلستان (UK LI) (Landscape Institute, n.d)	محیط (محیط)	جامعه (مردم)	پیوسته (ارتباط‌دهنده)	عینی-ذهنی (مکان)	
انجمن معماران منظر استرالیا (AILA) (AILA, n.d)	محیط (محیط)	انسان (انسان)	پیوسته (تعامل)	عینی-ذهنی (پاسخ فضایی)	
انجمن معماران منظر کانادا (CSLA) (CSLA AAAPC, n.d)	محیط (فضاها، نشانه‌ها و ساختارهای باز عمومی)	مبهم	مبهم	عینی-ذهنی (مکان)	

متخصصین منظر

انجمن‌های تخصصی

تخصص	نظریه پرداز	ادراک‌شونده	ادراک‌کننده	نسبت دو مؤلفه	محصول رابطه
اکولوژیست‌ها	جینگل وو (Wu, 2008, 45)	طبیعت (طبیعت)	جامعه (جامعه)	پیوسته (درهم‌کنش)	عینی-ذهنی (مجموعه‌ای از ابعاد فیزیکی و اجتماعی)
	فردریک استینر (Steiner, 2011, 335)	طبیعت (جریان اکولوژی)	جامعه (جریان اجتماعی)	پیوسته (تعامل)	عینی-ذهنی (محیط ادراک‌شده)
	ولفگانگ هابر (Haber, 2004, 103)	محیط (زمین پیرامون)	انسان (توسط فرد ادراک می‌شود)	پیوسته (زمین ادراک‌شده)	عینی-ذهنی (محیط ادراک‌شده)
	آلمو فارینا (Farina, 1998, 10)	طبیعت (بستر زنده یا غیر زنده)	انسان (توصیف فردی)	گسسته (حضور شروط)	ذهنی (توصیف ابژه‌ها)
	کاترینا سالتزمن (Saltzman, 2000, 64)	طبیعت (طبیعت)	انسان (انسان)	پیوسته (تعامل)	عینی-ذهنی (مکان)
	چالز والد‌هایم (Waldheim, 2006, 43)	طبیعت (سیستم‌های طبیعی)	انسان (مداخله انسانی در طبیعت)	پیوسته (یکپارچگی و تلفیق)	عینی (قلمروی بی‌انتهای جریان‌ها و نواحی متنوع)
	ریچارد هارتشورن (Hartshorne, 1939, 46)	طبیعت (قطعه‌ای محدودشده از زمین)	انسان (زیبایی‌شناسی زمین)	مبهم	مبهم
	آگوستین برک (برک، ۱۳۹۲، ۲۵)	محیط (محیط)	انسان (انسان)	پیوسته (تعامل)	عینی-ذهنی (مکان)
	تورستن هاگرتستراند (Hägerstrand, 1993, 19)	طبیعت (جنبه‌های طبیعی)	جامعه (جنبه‌های اجتماعی)	پیوسته (چارچوب دارایی ثابت منظر)	عینی-ذهنی (مکان)
	یوفی توان (Tuan, 1979, 90)	محیط (بخش محدودی از زمین)	انسان (ساختار ذهن و انسان)	پیوسته (حاصل جمع اجزا نیست بلکه یک کل است.)	ذهنی (تجربه بصری و زیباشناختی)
	دنيس کارگرو (Cosgrove, 1992, 85); منصورى و حبیبی، ۱۳۸۹، ۶۷)	طبیعت (رویکرد اکولوژی)	جامعه (منظر محصول نگرش یک فرد نیست بلکه تجميع آرا و نگرش‌های افراد جامعه است.)	پیوسته (گفتمان)	ذهنی (این گفتمان از نظر فلسفی و عملی ارتباط نزدیکی با نحوه نگرش ما دارد)
	دونالد مینینگ (ماهان و منصورى، ۱۳۹۶ الف، ۲۱)	محیط (آنچه مقابل چشم ماست)	انسان (آنچه در ذهن ما قرار دارد)	پیوسته («و»)	عینی-ذهنی (محیط ادراک‌شده)
	استفن دنیلز (Daniels, 1989, 198)	محیط (پدیده‌ای مادی)	جامعه (پدیده‌ای ایدئولوژیک)	پیوسته (این دو باید در کنارهم دیده شوند.)	مبهم
	پیرس لویس (Lewis, 1979, 12)	طبیعت (محیط‌های طبیعی)	انسان (انسان؛ هر کدام با سبک زندگی خود)	گسسته (روابط کلی)	ذهنی (بیوگرافی از سرگذشت انسان‌ها)
	ماروین سامونلز (Samuels, 1979, 58)	مصنوع (محیطی که عامدانه تألیف شده)	انسان (افراد)	مبهم	ذهنی (سرگذشت)
جیمز دونکان (Duncan, 1990, 56; Duncan & Duncan, 2009, 3)	مصنوع (متنی شامل محصولات فرهنگی بشر)	جامعه (فرهنگ)	مبهم	ذهنی (متن)	
کلود لویستراس (Lévi-Strauss, 1992, 85)	محیط (محیط)	انسان (انسان)	مبهم	ذهنی (روشی برای رمزگشایی نمادها و علائم انسان در محیط)	
گئورگ زیمل (Simmel, 2007, 25,)	طبیعت (پدیده‌های طبیعی)	مبهم	پیوسته (در تمام اجزای جدا از هم نفوذ می‌کند، بدون آنکه قابل نسبت‌دادن به هر یک از آن‌ها باشد)	مبهم	

اکولوژیست‌ها

جغرافیدان‌ها

تخصص	نظریه پرداز	ادراک‌شونده	ادراک‌کننده	نسبت دو مؤلفه	محصول رابطه
تاریخ‌دانان	سایمون اسکاما (Schama, 1995, 10)	طبیعت (طبیعت)	جامعه (فرهنگ)	گسسته (دوگانه)	ذهنی (یک شیوه نگاه کردن)
فلسوفان	میخائیل بختین (Bakhtin, 1986, 53)	طبیعت (طبیعت)	انسان (انسان)	گسسته (مشارکت)	عینی-ذهنی (طبیعت متن اصلی منظر)
	آرنولد برلینت (Berleant, 1997, 12, Berleant, 2000, 18,	محیط (محیط)	انسان (انسان)	پیوسته (همبستگی و پیچیدگی)	ذهنی (تجربه زیبایی‌شناختی)

۲. برای تعریف مفهوم «ادراک‌شونده» دو مفهوم «طبیعت» و «محیط» وجود دارد که اولی ممکن است در اصطلاح با معنای محیط‌های طبیعی و غیرمصنوع تعبیر شود ولی دومی معنای گسترده‌تری -از جمله محیط‌های مصنوع- را به ذهن متبادر می‌کند. از طرفی مفهوم محیط در درون خود واجد معنای نسبی بودن است که با جوهره این رابطه که محیط را نسبت به ادراک‌کننده بیان می‌دارد، تطابق دارد.

۳. تعیین نسبت پیوند دو مؤلفه «ادراک‌کننده» و «ادراک‌شونده» در شکل‌گیری ماهیت مفهوم منظر مؤثر است. تاکنون پیوند این دو مؤلفه به دو صورت «گسسته» و «پیوسته» تعبیر شده است که به نظر می‌رسد مدل پیوسته برخلاف گسسته با «کل‌نگری» به‌عنوان یک اصل بنیادین در مفهوم منظر همخوان است زیرا کل‌نگری تأکید بر همزمانی و یکنواختی تمامی وجوه دارد ولی در مدل گسسته الزامی بر همزمانی وجوه وجود ندارد و می‌توان آن‌ها را در زمان‌های جداگانه مورد بررسی قرار داد. بنابراین در صورت تعبیر منظر به صورت گسسته، این تعریف با صفت جوهری کل‌نگری در تناقض قرار می‌گیرد.

۴. ماهیت محصول رابطه منظر، به سه صورت «عینی»، «ذهنی» و «عینی-ذهنی» بیان شده است. به نظر می‌رسد دو مفهوم نخست قابلیت ارائه تمامی ویژگی‌ها و ابعاد منظر را ندارند و هرکدام بخشی از ماهیت رابطه ادراکی بیان شده را منتقل می‌کند. چنانکه ماهیت «عینی» بر وجه ادراک‌شونده تمرکز دارد و ماهیت ذهنی بر وجه ادراک‌کننده تأکید می‌ورزد در صورتی که چنانکه آورده شد این رابطه دارای دو وجه همزمان و متعامل است که تنها در صورتی که به صورت یک کل مدغم دیده شوند بروز می‌یابد. بنابراین تنها ماهیت «عینی-ذهنی» که در جوهره خود از هر دو سوی رابطه انسان و محیط بهره می‌برد امکان بیان ویژگی‌های

این رابطه ادراکی است را از مفهوم حذف می‌نماید و حاصل نه بخشی از منظر، بلکه چیزی جز منظر است. برخی از متخصصین نیز منظر را به‌عنوان یک مفهوم انتزاعی و با ماهیت ذهنی تصور کرده‌اند. به نظر می‌رسد این تعاریف نیز با توجه به رابطه دوسویه و درهم‌تنیده ادراک‌کننده و ادراک‌شونده که با تحول در هرکدام، کلیت رابطه متحول می‌شود، قابل تصور نیست. به نظر می‌رسد ماهیت عینی-ذهنی که حاصل زیست همزمان در هر دوی این عوالم است، بیشترین امکان را برای فهم و توصیف ویژگی‌های مفاهیمی که در رابطه دوسویه و پیوسته عینیت و ذهنیت به‌دست می‌دهد. به عبارتی انگاشتن محصول رابطه منظر به‌عنوان پدیده‌ای عینی-ذهنی به آن معناست که فضا به‌عنوان پدیده‌ای مکان‌مند تفسیر شود که نه‌تنها واجد ابعاد فیزیکی بیرونی است بلکه دارای ابعاد ذهنی است که در دستگاه ادراکی مخاطب شکل می‌گیرد و منظر نه در یکی از این دو بلکه در رابطه پیوسته و پویای آن ظهور می‌یابد.

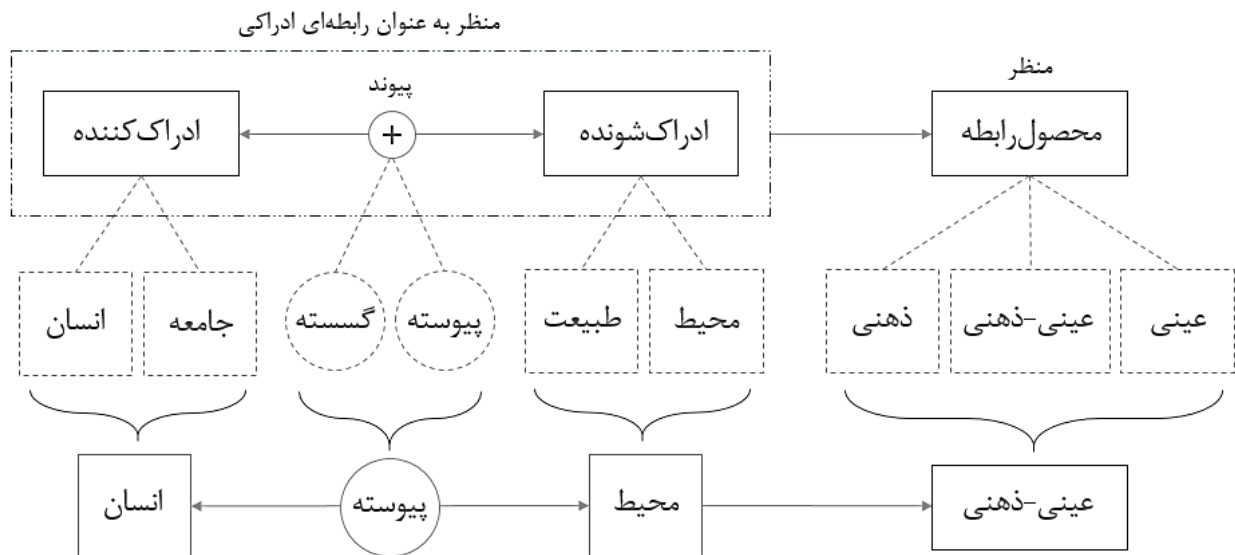
نتیجه‌گیری

مرور تعاریف منظر در بازه ۱۹۳۹-۲۰۲۰ میلادی) بیانگر وجود آرا متکثر اندیشمندان در تبیین اجزای آن است. این بررسی نشان داد که صاحب‌نظران در بیان چهار بخش «ادراک‌کننده»، «ادراک‌شونده»، «نسبت دو مؤلفه» و «محصول رابطه» رویکردهای متفاوتی دارند:

۱. تعریف ادراک‌کننده با دو مفهوم «انسان» و «جامعه» صورت گرفته است که نشان‌دهنده تعبیر هر یک از صاحب‌نظران از دلالت منظر بر فرد یا جامعه است. تفاوت عمده این مفاهیم در آن است که اولی اصالت منظر را بر فرد و دومی بر جمع معین می‌دارد. به نظر می‌رسد با توجه به آنکه منظر حتی برای یک فرد هم قابل تبیین است، تعبیر نخست تفسیر دقیق‌تر و جامع‌تری از این مفهوم باشد.

ادراکی است که میان «انسان به‌عنوان ادراک‌کننده» و «محیط به‌عنوان ادراک‌شونده» با پیوندی «پیوسته» ایجاد می‌شود و محصولی با ماهیت «عینی-ذهنی» به‌دست می‌دهند (تصویر ۳).

هویتی و بنیادین مفهوم منظر را به‌دست می‌دهد. بنابراین براساس بررسی، دسته‌بندی و تحلیل رویکردهای موجود در تعاریف ارائه‌شده در این پژوهش، به‌نظر می‌رسد بتوان بر این اساس تعریف منظر را چنین تبیین کرد. منظر رابطه‌ای



تصویر ۳. با ارزیابی تعاریف ارائه‌شده می‌توان منظر را رابطه‌ای ادراکی دانست که میان «انسان به‌عنوان ادراک‌کننده» و «محیط به‌عنوان ادراک‌شونده» با پیوندی «پیوسته» ایجاد می‌شود و محصولی با ماهیت «عینی-ذهنی» به‌دست می‌دهند. مأخذ: نگارندگان.

پی‌نوشت‌ها

۱. باورمندی به کل‌نگر بودن رویکرد منظر، در سیری تاریخی از قرن ۱۶ شکل گرفت و در تحولاتی که طی چند صد سال بر آن رخ داد، در قرن حاضر به‌عنوان مفهومی کل‌نگر که به نقد اندیشه‌های جزءنگرانۀ مدرنیستی می‌پردازد بدل شد (آل‌هاشمی و منصور، ۱۳۹۶، ۳۸-۴۱). صفت کل‌نگری امروز به‌عنوان یکی از اصول بنیادین منظر شناخته می‌شود چنانکه ماهان و منصور (۱۳۹۶، ب، ۲۳) می‌آورند: «امروزه در رویکردهای کل‌نگر به منظر که در مجامع علمی و حرفه‌ای منظرین به‌عنوان رویکرد معیار مورد توجه متخصصین قرار گرفته می‌شود... منظر به‌مثابه یک کل قلمداد می‌شود».

۲. خوانساری در کتاب «منطق صوری» شش شرط را برای تعریف یک مفهوم بیان کرده است: ۱. دارای جامعیت باشد، ۲. دارای مانعیت باشد، ۳. نباید مباین معرّف باشد، ۴. باید واضح‌تر و روشن‌تر از معرف باشد، ۵. باید کل پیش از جزء انجام شود و ۶. از عبارات غریب و مبهم استفاده نشود.

۳. ادراک نزد بیشتر فلاسفه دارای دو گونه اصلی «ادراک حسی» - حاصل دریافت از حواس ظاهری - و «ادراک عقلی» - حاصل دریافت‌های باطنی در تکمیل داده‌های حسی است. گاه نیز در برخی نظریات به چهار گونه افزایش یافته و از آن به مراتب ادراک یاد شده است.

۴. لازم به ذکر است که این رابطه ادراکی مبتنی بر ساختاری است که منشعب از نگرش اندیشمندان غربی به فرایند ادراک است. با این حال در فلسفه به‌خصوص در اندیشۀ فلاسفۀ شرقی ساختارهای ادراکی دیگری نیز تبیین شده‌اند که شکل دیگری از رابطه میان مؤلفه‌های ادراکی را شرح می‌دهد. برای نمونه قضیه «اتحاد عالم و معلوم» که توسط ملاصدرا صورت‌بندی شده است بیان می‌دارد فاعل یا نفس با علم اتحاد وجودی می‌یابد و در اثر اشتداد وجودی بر کمالاتش افزوده می‌شود. به سخن دیگر، حرکت جوهری نفس با ادراک و آگاهی حاصل می‌شود و خروج تدریجی نفس از قوه به فعل و شدت یافتن فعلیت آن، با اندیشه و معرفت تحقق پیدا می‌کند (علی‌زاده، ۱۳۸۱، ۱۶-۱۷). با این حال از آنجا که تمرکز این پژوهش بر بررسی و ارزیابی آرا اندیشمندانی است که مفهوم منظر را بر بنیان ساختار ادراکی آورده شده تبیین نموده‌اند، این پژوهش به واکاوی فلسفی نسبت این مؤلفه‌ها در نگرش‌های دیگر نمی‌پردازد.

۵. Integration

۶. Conflation

۱. باورمندی به کل‌نگر بودن رویکرد منظر، در سیری تاریخی از قرن ۱۶ شکل گرفت و در تحولاتی که طی چند صد سال بر آن رخ داد، در قرن حاضر به‌عنوان مفهومی کل‌نگر که به نقد اندیشه‌های جزءنگرانۀ مدرنیستی می‌پردازد بدل شد (آل‌هاشمی و منصور، ۱۳۹۶، ۳۸-۴۱). صفت کل‌نگری امروز به‌عنوان یکی از اصول بنیادین منظر شناخته می‌شود چنانکه ماهان و منصور (۱۳۹۶، ب، ۲۳) می‌آورند: «امروزه در رویکردهای کل‌نگر به منظر که در مجامع علمی و حرفه‌ای منظرین به‌عنوان رویکرد معیار مورد توجه متخصصین قرار گرفته می‌شود... منظر به‌مثابه یک کل قلمداد می‌شود».

۲. خوانساری در کتاب «منطق صوری» شش شرط را برای تعریف یک مفهوم بیان کرده است: ۱. دارای جامعیت باشد، ۲. دارای مانعیت باشد، ۳. نباید مباین معرّف باشد، ۴. باید واضح‌تر و روشن‌تر از معرف باشد، ۵. باید کل پیش از جزء انجام شود و ۶. از عبارات غریب و مبهم استفاده نشود.

۳. ادراک نزد بیشتر فلاسفه دارای دو گونه اصلی «ادراک حسی» - حاصل دریافت از حواس ظاهری - و «ادراک عقلی» - حاصل دریافت‌های باطنی در تکمیل داده‌های حسی است. گاه نیز در برخی نظریات به چهار گونه افزایش یافته و از آن به مراتب ادراک یاد شده است.

۴. لازم به ذکر است که این رابطه ادراکی مبتنی بر ساختاری است که منشعب از نگرش اندیشمندان غربی به فرایند ادراک است. با این حال در فلسفه به‌خصوص در اندیشۀ فلاسفۀ شرقی ساختارهای ادراکی دیگری نیز تبیین شده‌اند که شکل دیگری از رابطه میان مؤلفه‌های ادراکی را شرح می‌دهد. برای نمونه قضیه «اتحاد عالم و معلوم» که توسط ملاصدرا صورت‌بندی شده است بیان می‌دارد فاعل یا نفس با علم اتحاد وجودی می‌یابد و در اثر اشتداد وجودی بر کمالاتش افزوده می‌شود. به سخن دیگر، حرکت جوهری نفس با ادراک و آگاهی حاصل می‌شود و خروج تدریجی نفس از قوه به فعل و شدت یافتن فعلیت آن، با اندیشه و معرفت تحقق پیدا می‌کند (علی‌زاده، ۱۳۸۱، ۱۶-۱۷). با این حال از آنجا که تمرکز این پژوهش بر بررسی و ارزیابی آرا اندیشمندانی است که مفهوم منظر را بر بنیان ساختار ادراکی آورده شده تبیین نموده‌اند، این پژوهش به واکاوی فلسفی نسبت این مؤلفه‌ها در نگرش‌های دیگر نمی‌پردازد.

- آل‌هاشمی، آیدا و منصوری، سید امیر. (۱۳۹۶). منظر؛ مفهومی در حال تغییر نگاهی به سیر تحول مفهوم منظر از رنسانس تاکنون. *باغ نظر*، ۱۴(۵۷)، ۳۳-۴۴.
- براتی، ناصر؛ داوودپور، زهره و منتظری، مرجان. (۱۳۹۱). روش تحقیق در مطالعات محیطی. تهران: انتشارات ساکو.
- برک، آگوستن. (۱۳۸۷). منظر، مکان، تاریخ (ترجمهٔ مریم‌السادات منصوری). *باغ نظر*، ۹(۹۵)، ۸۱-۹۰.
- برک، آگوستن. (۱۳۹۲). آیا مفهوم منظر متحول می‌شود؟. *منظر*، ۵(۲۳)، ۲۵-۲۷.
- بل، سایمون. (۱۳۹۴). *منظر: الگو، ادراک و فرایند* (ترجمهٔ بهناز امین‌زاده). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ترنر، تام. (۱۳۷۶). شهر همچون چشم‌انداز: نگرشی فراتر از نوگرایی (پست-پست مدرن) به طراحی و برنامه‌ریزی شهری (ترجمهٔ فرشاد نوریان). تهران: نشر پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- تقدیر، سمانه. (۱۳۹۶). تبیین مراتب و فرایند ادراک انسان و نقش آن در کیفیت خلق آثار معماری براساس مبانی حکمت متعالیه. *پژوهش‌های معماری اسلامی*، ۵(۱۴)، ۴۸-۶۸.
- تقوایی، سید حسن. (۱۳۹۱). معماری منظر: درآمدی بر تعریف‌ها و مبانی نظری. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- حبیبی، امین. (۱۳۸۸). تحولات مفهومی منظر. *منظر*، ۱(۳)، ۷۰-۷۱.
- حسینی دشتی، سیدمصطفی. (۱۳۸۵). معارف و معاریف «دایره‌المعارف جامع اسلامی». تهران: مؤسسه فرهنگی آرایه.
- خامنه‌ای، سید محمد. (۱۳۷۹). ادراک حسی. *خردنامهٔ صدر*، ۱۹(۱)، ۸-۱۶.
- خراسانی‌زاده، محسن. (۱۳۸۲). مباحثی دربارهٔ شناخت معماری منظر. *معماری ایران (ما)*، ۱۲(۱۳)، ۱۰-۱۶.
- خوانساری، محمد. (۱۳۶۶). *منطق صوری*. تهران: انتشارات دیدار.
- ذکاوت، کامران. (۱۳۸۹). *نظرگاه: منظر شهری*. منظر، ۲(۱۱)، ۲۸-۲۹.
- سلیمانی، فاطمه. (۱۳۹۴). انسان در جهان یا جهان در انسان: جستاری در خصوص رابطهٔ انسان با جهان از نگاه صدرالمآلهین. *حکمت فلسفه*، ۱۱(۴)، ۴۱-۶۰.
- سوافلید، سایمون. (۱۳۹۵). نظریه در معماری منظر (ترجمهٔ محسن فیضی، مهدی خاکزند و سینا رزاقی اصل). تهران: دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی.
- شیبانی، مهدی. (۱۳۸۹). *منظر ادراکی شهر؛ آسیب شناسی منظر شهری تهران*. منظر، ۲(۹)، ۴-۷.
- علی‌زاده، بیوک. (۱۳۸۱). مبانی نظریهٔ اتحاد عقل و معقول. *متین*، ۵(۱۷)، ۱۲۳-۱۴۸.
- فرشاد، مهدی. (۱۳۶۲). نگرش سیستمی. تهران: امیرکبیر.
- گروتز، یورگ کورت. (۱۳۸۳). *زیبایی‌شناسی در معماری* (ترجمهٔ جهان‌شاه پاکزاد و عبدالرضا همایون). تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- گلکار، کوروش. (۱۳۸۵). مفهوم منظری شهری. *آبادی*، ۱۷(۵۳)، ۳۸-۴۷.
- گودینی، جواد؛ بختیاری‌منش، الهام و براتی، ناصر. (۱۳۹۷). تأملی در مراتب وجودی محیط و تجلی آن در بستر فرهنگی ایرانی اسلامی (نمونه موردی حیاط). *باغ نظر*، ۱۵(۵۹)، ۵-۱۶.
- لامعی، ابوالفتح. (۱۳۸۶). تحلیل مفهوم ادغام. *طب و تزکیه*، ۱۶(۶۶-۶۷)، ۲۲-۳۰.
- لنگ، جان. (۱۳۹۵). *آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط* (ترجمهٔ علیرضا عینی‌فر). تهران: مؤسسهٔ چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- ماتلاک، جان. (۱۳۸۸). *آشنایی با طراحی محیط و منظر* (ترجمهٔ حسن لقابی). تهران: انتشارات سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهر تهران.
- ماهان، امین و منصوری، سید امیر. (۱۳۹۶). مفهوم منظر با تأکید بر نظر صاحب‌نظران رشته‌های مختلف. *باغ نظر*، ۱۴(۴۷)، ۱۷-۲۸.
- ماهان، امین و منصوری، سید امیر. (۱۳۹۶). تدوین مدل ارزیابی منظر (با
- مروری بر روش‌ها و رویکردهای جاری ارزیابی منظر). *باغ نظر*، ۱۴(۵۶)، ۳۳-۴۲.
- محمودی، سید امیرسعید. (۱۳۸۹). *نظرگاه: منظر شهری*. منظر، ۲(۱۱)، ۲۸-۲۹.
- مک‌هارگ، ایان. (۱۳۸۹). *طراحی با طبیعت* (ترجمهٔ حسین عبدالوهاب‌زاده). مشهد: نشر جهاد دانشگاهی مشهد.
- منصوری، سید امیر. (۱۳۸۳). درآمدی بر شناخت معماری منظر. *باغ نظر*، ۲(۲)، ۶۹-۷۸.
- منصوری، سید امیر. (۱۳۸۹). چيستی منظر شهری. منظر، ۲(۹)، ۳۰-۳۳.
- منصوری، سید امیر و حبیبی، امین. (۱۳۸۹). تبیین و ارزیابی مؤلفه‌های مؤثر بر ارتقای نقش منظر در پایداری محیط بررسی موردی رودخانهٔ خشک شیراز. *باغ نظر*، ۷(۱۵)، ۶۳-۷۸.
- منصوری، سید امیر. (۱۳۹۲). نخستین بیانیهٔ انجمن علمی معماری منظر ایران. منظر، ۵(۲۵)، ۲۸-۳۵.
- منصوری، مریم‌السادات و آتشین‌بار، محمد. (۱۳۹۰). *مصاحبهٔ اختصاصی مجلهٔ منظر با پروفیسور برنارد لاسوس*، برندهٔ جایزهٔ معمار منظر برتر جهان در چهار سال منتهی به ۲۰۱۰. منظر، ۳(۱۳)، ۶۶-۷۳.
- نقی‌زاده، محمد. (۱۳۸۴). *جایگاه طبیعت و محیط زیست در فرهنگ و شهرهای ایرانی*. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- نقی‌زاده، محمد و استادی، مریم. (۱۳۹۳). *مقایسهٔ تطبیقی مفهوم ادراک و فرایند آن در فلسفه و روان‌شناسی محیط و کاربرد آن در طراحی شهری*. *پژوهش‌های معماری اسلامی*، ۱(۳)، ۳-۱۴.
- Adams, W. H. (1991). *Roberto Burle Marx: The Unnatural Art of the Garden*. New York: The Museum of Modern Art.
- AILA. (n.d). *Landscape Architecture -A Profession of 'Place'*. Retrieved September 17, 2019, from https://www.aila.org.au/AILAWeb/AILA_News/2015/Landscape_Architecture_-_A_Profession_of_Place.aspx
- Angelstam, P., Munoz-Rojas, J. & Pinto-Correia, T. (2019). Landscape concepts and approaches foster learning about ecosystem services. *Landscape Ecology*, 34, 1445-1460.
- Arts, B., Buizer, M., Horlings, L., Ingram, V., Van Oosten, C. & Opdam, P. (2017). Landscape Approaches: A State-of-the-Art Review. *Annual Review of Environment and Resources*, 42, 439-463.
- ASLA. (n.d). *What is landscape architecture?*. Retrieved September 17, 2019, from <https://www.asla.org/aboutlandscapearchitecture.aspx>.
- Bakhtin, M. (1986). *The Dialectic Imagination*. Austin: University of Texas Press.
- Berleant, A. (1997). *Living in the Landscape: Toward an Aesthetics of Environment*. Kansas: University Press of Kansas.
- Berleant, A. (2000). *The Aesthetic Field: A Phenomenology of Aesthetic Experience*. cyberrestitutions, New Zealand: Christophersen Publishing.
- Capone, P. (2013). The landscape theory by Bernard Lassus: an Italian example. *Revista Brasileira de Horticultura Ornamental*, 19(1), 63-66.
- Council of Europe (2000a). *European landscape convention*. CETS No. 176. Strasbourg.
- Council of Europe (2000b). *European landscape convention*. Explanatory report. CETS No. 176. Strasbourg.
- Cosgrove, D. (1992). *Water, Engineering and Land-Scape: Water Control and Landscape in the Modern Period*. New Delhi: CBS Publishers.

- Costanza, J. K., Riitters, K., Vogt, P. & Wickham, J. (2019). Describing and analyzing landscape patterns: where are we now, and where are we going?. *Landscape Ecology*, 34, 2049–2055.
- CSLA-AAPC. (n.d). *What is landscape architecture?*. Retrieved September 19, 2019, from <https://www.csla-aapc.ca/about-csla/society>
- Duncan, J. (1990). *The City as Text*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Duncan, N. & Duncan, J. (2009). Doing Landscape Interpretation. In: D. DeLeyser, S. Herbert, S. Aitken, M. Crang & L. McDowell (eds.), *The SAGE Handbook of Qualitative Geography*. London: SAGE, pp.225–248.
- Daniels, S. (1989). Marxism, culture, and the duplicity of landscape. In R. Peet & N. Thrift (eds.), *New Models in Geography (vol. II)*. London: Unwin-Hyman. pp. 196–220.
- ECLAS. (n.d). *Landscape Architecture, Program Coordinator*. Retrieved September 20, 2019, from <https://www.eclas.org/landscape-architecture-program-coordinator/>
- Farina, A. (1998). *Principles and Methods in Landscape Ecology*. Netherlands: Springer.
- Forman, R. T. T. (1987). The ethics of isolation, the spread of disturbance, and landscape ecology. Chapter 12. In M. Goigel Turner (ed.), *Landscape Heterogeneity and Disturbance*. New York: Springer-Verlag.
- Forman, R. T. T. & Godron, M. (1986). *Landscape Ecology*. New York: John Wiley & Sons.
- Förster, F., Großmann, R., Iwe, K., Kinkel, H., Larsen, A., Lungershausen, U., Matarese, C., Meurer, P., Nelle, O., Robin, V. & Teichmann, M. (2012). What is Landscape? Towards a Common Concept within an Interdisciplinary Research Environment. *eTopoi*, 3, 169–179.
- Gerber, J. D. & Hess, G. (2017). From landscape resources to landscape commons: focussing on the non-utility values of landscape. *International Journal of the Commons*, 11(2), 708–732.
- Haber, W. (2004). Landscape ecology as a bridge from ecosystems to human ecology. *Ecological Research*, 19, 99-106.
- Hägerstrand, T. (1993). *Samhälle Och Natur. In Region och miljö: ekologiska perspektiv på den rumsliga närings- och bosättningsstrukturen*. Kobenhavn: Nordisk Institut for Regionalpolitisk Forskning, special issue of: NordREFO, 23, 1 (pp. 14–59). Nordisk Institut for Regionalpolitisk Forskning.
- Hägerstrand, T. (2000). Jordytans Timligt Fyllda Rum. In Svensk Geografisk Årsbok [The Swedish Geographical Yearbook]. *Lund: Sydsvenska geografisällskapet*, (76), 9-21.
- Hartshorne, R. (1939). *The Nature of Geography: A Critical Survey of Current Thought in Light of the Past*. Washington, DC: Association of American Geographers.
- IFLA. (n.d). *About the profession of Landscape Architect*. Retrieved September 17, 2019, from <https://www.iflaworld.com/what-ifla-does>
- Kelsey, S. (2003). Aristotle's definition of nature. *Oxford Studies in Ancient Philosophy*, 25, 59-87.
- Kyvelou, S. S. & Gourgiotis, A. (2019). Landscape as Connecting Link of Nature and Culture: Spatial Planning Policy Implications in Greece. *Urban Science*, 3(3), 81.
- Landscape Institute. (n.d). *Landscape Practice*. Retrieved September 20, 2019, from <https://www.landscapeinstitute.org/about/landscape-practice/>
- Lévi-Strauss, C. (1992). *Tristes Tropiques*. New York: Penguin.
- Lewis, P. (1979). Axioms for reading the landscape. In D. Meinig (ed.), *The Interpretation of Ordinary Landscapes: Geographical Essays*. New York: Oxford University Press. pp. 11–32.
- Makhzoumi, J. (2015). Borrowed or Rooted? Fe Discourse of 'Landscape' in the Arab Middle East. In D. Bruns, O. Kühne, A. Schönwald, S. Theile (eds.), *Landscape Culture - Culturing Landscapes*. Springer Fachmedien Wiesbaden.
- MSP. (n.d). *Manifesto*. Retrieved September 25, 2019, from <https://msp.world/practice/manifesto/>
- Naveh, Z. & Lieberman, A. S. (1984). *Landscape Ecology: Theory and Application*. New York: Springer-Verlag.
- Naveh, Z. (1987). Biocybernetic and thermodynamic perspectives of landscape functions and landuse patterns. *Landscape Ecology*, 1, 75-83.
- Oyserman, D., Coon, H. M. & Kimmelmeier, M. (2002). Rethinking Individualism and Collectivism: Evaluation of Theoretical Assumptions and Meta-Analyses. *Psychological Bulletin*, 128(1) 3-72.
- Risser, P. G. (1987). Landscape ecology: state of the art. Chapter 1. In M. Goigel Turner (ed.), *Landscape Heterogeneity and Disturbance*. New York: Springer-Verlag.
- Saltzman, K. (2000). Kan man bevara det föränderliga? Processperspektiv i landskapsvården. In P. Eliasson & E. Lisberg Jensen (ed.), *Naturens Nytt*. Lund: Historiska media, pp.60-78.
- Samuels, M. (1979). The biography of landscape. In D. W. Meinig (ed.), *The Interpretation of Ordinary Landscapes: Geographical Essays*. New York: Oxford University Press. pp. 51–88.
- Simmel, G. (2007). The philosophy of landscape theory. *Culture and Society*, 24(7-8), 20- 29.
- Schama, S. (1995). *Landscape and Memory*. New York: Knopf.
- Soares, C. (2018). The philosophy of individualism: a critical perspective. *International Journal of Philosophy & Social Values*, 1(1), 11-34.
- Steiner, F. (2011). Landscape ecological urbanism: Origins and trajectories. *Landscape and Urban Planning*, (100), 333–337.
- Talento, K., Amado, M. & Kullberg, J. C. (2019). Landscape - A Review with a European Perspective. *Land*, 8(6), 1-28.
- Tuan, Y. (1979). *Landscapes of Fear*. New York: Pantheon Books.
- Udehn, L. (2002). *Methodological Individualism: Background, History and Meaning*. Routledge: London.
- Van Uchelen C. (2000). Individualism, Collectivism, and Community Psychology. In J. Rappaport, E. Seidman (eds.), *Handbook of Community Psychology*. Springer: Boston.
- Whitehead, A. N. (1920). *The Concept of Nature: Tarter lecture delivered in Trinity College. November 1919*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Waldheim, C. (2006). *The Landscape Urbanism Reader*. New York : Princeton Architectural Press.
- Waldheim, C. (2016). *Landscape as Urbanism: A General Theory*. Princeton; Oxford: Princeton University Press.

- Westra B. & Rodgers B. (1991). Integration: A concept for evaluating outcomes of nursing care. *Journal of Professional Nursing*, 7, 277- 282.
- Wilkoszewska, K. (2019). Landscape and the environment. *Polish Journal of Landscape Studies*, 2(4 & 5), 89-95.
- Wu, J. (2008). Making the case for landscape ecology: an effective approach to urban sustainability. *Landscape Journal*, (27), 41-50.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Manzar journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله
همتی، مرتضی و صابونچی، پریچهر. (۱۴۰۰). ادراک کننده، ادراک شونده، محصول ادراک (ارزیابی تعابیر صاحب نظران از مؤلفه های تعریف منظر). منظر، ۱۳(۵۶)، ۱۴-۲۹.

DOI: 10.22034/MANZAR.2021.273356.2115
URL : http://www.manzar-sj.com/article_130683.html

